

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۰ جون ۲۰۲۱

کارگران و انتصابات حکومتی

نزدیک به دو هفته به نمایشات انتخاباتی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی باقی مانده است، نمایشی که اکثریت جامعه بر نمایشی بودن آن تاکید داشته‌اند و کارگران و زحمتکشان در جریان اعتراضات خود بارها اعلام کرده‌اند که در این نمایش مسخره شرکت نخواهند کرد. امروز صدای "رای بی رای" اکثریت آحاد جامعه کار رسوائی جمهوری اسلامی را به آنجا کشانده که رهبر تبهکار جمهوری اسلامی عدم شرکت در انتخابات را مصداق "گناه کبیره" نامیده و نیروی انتظامی این رژیم اعلام کرده است که تبلیغ جهت عدم شرکت در انتخابات جرم تلقی می‌شود و به طور طبیعی این نیرو با مجرم برخورد خواهد کرد. تا کنون در هیچ کجای دنیا دیده و شنیده نشده بود که حکومتی در حین برپائی انتخابات - که فرض بر این ادعاست که گویا آزاد و دموکراتیک می‌باشد- چنین برخورد زورگویانه‌ای با تحریم کنندگان آن داشته باشد. با این وجود در حالی که در رژیم آزادی کش حاکم کسی نیست که معنای برخورد نیروی انتظامی با "مجرم" را در زندگی واقعی ندیده و یا تجربه نکرده باشد، باز می‌بینیم که توده‌های آگاه و شجاع، مقهور این تهدیدها نشده و علناً مخالفت خود را با انتخابات کذائی پیشاروی ابراز می‌دارند. می‌بینیم که برغم همه ترفندها و تهدیدهای کارگزاران رژیم باز هم هر روز که می‌گذرد دسته‌های بیشتری از جامعه بر ضرورت عدم شرکت در این مضحکه یا انتصاب حکومتی تاکید می‌کنند. اخیراً نیز "مادران آبان" با انتشار کلیپ هائی از عدم شرکت در انتخابات سخن گفته و بر خواست خود مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی تاکید نمودند.

در طول ۴۳ سال گذشته مردم آگاه و مبارز جامعه نشان داده‌اند که اعتمادی به نمایشات انتخاباتی جمهوری اسلامی ندارند و مثال "سگ زرد برادر شغال است" واکنش آنها به انتصابات حکومتی ای بوده که در طول این مدت برگزار شده‌اند. این تجربه زندگی زحمتکشان، صحت خود را در آستانه نمایش انتخاباتی اخیر بیش از هر زمان دیگری ثابت کرده است.

با توجه به شمائی از اوضاع که در بالا تشریح شد حتی برای خود گردانندگان حکومت روشن است که کارگران آگاه هرگز تن به چنین نمایشی نمی‌دهند. کارگران تحت ظلم و ستم ما امروز از این آگاهی برخوردارند که یکی از بدیهی‌ترین اصول انتخابات داشتن حق انتخاب می‌باشد. در حالیکه در جمهوری اسلامی با وجود قدرت مطلقه "ولی فقیه" و نظارت استصوابی "شورای نگهبان" دیگر انتخاب معنائی نمی‌تواند داشته باشد و چنین حقی پامال قدرت مطلقه ولی فقیه می‌گردد. در واقعیت، در کشوری که حاکمیت "ولایت مطلقه فقیه" به مثابه دیکتاتوری بورژوازی وابسته ایران

حاکم است همه اهالی کشور "رعیت" ولی فقیه شناخته شده و این وظیفه "سلطان" مقتدر است که برای رعایای خود "انتخاب اصلح" را مشخص کند. تجربه تا کنونی جمهوری اسلامی نیز نشان می دهد که آنچه به نام انتخابات در ایران برگزار می شود یک نمایش مضحک حکومتی برای رسمیت بخشیدن به انتصاب یکی از مهره های خود نظام است. مضحکه ای است که در سرانجامش وزارت کشور با یک آمار سازی قلابی از شرکت میلیونها نفر در آن خبر می دهد! این البته خاصیت همه حکومت های مزدور و وابسته به امپریالیسم می باشد که به ظاهر انتخابات برگزار کرده و سعی می کنند مردم را به پای صندوق های رای بکشانند ولی در نهایت این خود آنها هستند که رقم های دلخواه را به عنوان رای مردم اعلام می کنند و مهره تعیین شده خود را به عنوان برنده "انتخابات" اعلام می نمایند.

واقعیت این است که به رغم تبلیغات دروغین دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی و به رغم مشاطه گری سازشکاران و خودفروشان که به هر وسیله ای متوسل می شوند تا صندوق های مارگیری جادوگر پیر (خامنه ای) را صندوق رای مردمی جا بزنند، اکثریت مردم ما و به خصوص کارگران آگاه از بی ربطی این انتخابات و صندوق رای به خود سخن می گویند. درک این واقعیت از طرف اکثریت آحاد جامعه و به خصوص کارگران مبارز ایران که در فقدان آزادی بیان، آزادی اجتماعات، عدم حق تشکل - چه به صورت صنفی و چه سیاسی - و غیره انتخابات آزاد و دموکراتیک بی معناست و در همان حال ضدیت به حق آنان با رژیم جمهوری اسلامی که همواره کوشیده است با کشاندن توده ها به پای صندوق های رای، مشروعیت برای خود دست و پا کند، جمهوری اسلامی را رسواتر از همیشه کرده است. این وضع باعث گشته که امروز تنور مضحکه حکومتی چنان سرد و یخ زده گردد که خود نهادها و خبرگزاری های حکومتی هم تحریم گسترده "انتخابات" اخیر از طرف مردم آگاه و مبارز ایران را تأیید و به افکار عمومی اطلاع دهند تا آنجا که برخی از وابستگان به رژیم با به خرج دادن نهایت گزافه گوئی از احتمال شرکت یک چهارم واجدین حق رای سخن می گویند که البته دروغین بودن آن پُر واضح است.

خشم و تفر و انزجار بی حد مردم مبارز ایران از رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی که در جهت حفظ سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم حاکم از بدو روی کار آمدن خود دست به کشتار های متعددی زده که آخرین آنها کشتار مردم عاصی از ظلم و جور این رژیم در قیام های برحق مردم در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ بود، دلیل واقعی تحریم به اصطلاح انتخابات ۱۴۰۰ از طرف این توده ها می باشد. در چنین شرایطی است که محمّدجواد حجتی کرمانی، از دوستان خامنه ای و از اعضای سابق مجلس خبرگان رسماً می گوید که بهتر است خامنه ای با "حکم حکومتی" ابراهیم رئیسی را به عنوان رئیس جمهور منصوب کند تا "مردم را از زحمت شرکت در انتخابات صوری نمایشی - فرمایشی معاف فرموده و از مصرف بیهوده و مسرفانه ده ها میلیاردی انتخابات جلوگیری کنند." کار به جایی کشیده است که روزنامه "جمهوری اسلامی" در هشتم خرداد در ارتباط با انتصابات حکومتی ۲۸ خرداد سال جاری در سرمقاله خود نوشته است که: "تکلیف انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ از هم اکنون روشن است و کسی در اینکه برنده نهایی این انتخابات کیست ابهامی ندارد." در این نوشته حقیقتی نهفته است و آن این است که مقامات حکومتی و در رأس آنها خامنه ای در رأس دیکتاتوری حاکم، از قبل رئیس جمهورشان را انتخاب می کنند. به واقع این امر در همه به اصطلاح انتخابات یا به واقع انتصابات حکومتی در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی صورت گرفته است و مختص شرایط امروز و "انتخابات" پیشاروی نیست.

در شرایطی نخبگان دست اندر کار رژیم به "انتخابات صوری نمایشی - فرمایشی" اعتراف می کنند و روزنامه های خود رژیم آشکارا از مسخره بودن انتخابات در جمهوری اسلامی می نویسند، با این وضعیت دیگر برای مشاطه گران صندوق رای و آنهایی که به بهانه مخالفت با رئیسی می خواهند شرکت رسوای خود در نمایش مسخره جمهوری

اسلامی را توجیه نمایند، جایی باقی نمی ماند. در این میان کسانی هم هستند که در شرایطی که امر تحریم این نمایش مسخره در الویت قرار دارد سعی دارند مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی را برای توده ها و به خصوص برای کارگران نه یک نمایش مسخره بلکه یک "تجدید آرایش طبقاتی" طبقه حاکمه جا بزنند. اینان به این ترتیب خاک به چشم کارگران می پاشند. در واقعیت امر اما رای و اراده کارگران و زحمتکشان ایران روشن است و آنها بار های بار این رای را در اعتراضات خود با فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "اصولگرا، اصلاح طلب دیگه تمومه ماجرا"، "جمهوری اسلامی نمی خوایم نمی خوایم" و شعارهای انقلابی دیگر به نمایش گذاشته اند. فریاد "رای بی رای" که امروز در سراسر جامعه ایران طنین انداز می باشد نیز آشکارا بیانگر آن است که رای واقعی کارگران و زحمتکشان ایران سرنگونی جمهوری اسلامی و دیکتاتوری لجام گسیخته آن می باشد.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۸۹، پانزدهم خرداد ماه [جوزا] ۱۴۰۰